

## طراحی محله با بررسی رویکردهای انسان محور

احمد ترکمان\*<sup>1</sup>، الهه آرچین<sup>1</sup>، سوگل شمتوب<sup>2</sup>

1- دکتری معماری، عضو هیات علمی، گروه معماری، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

(ahmadtorkamon@yahoo.com)

1- کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، گروه معماری، ایران. (elahe\_archin@yahoo.com)

2- دکتری معماری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. (sareh\_sha@yahoo.com)

### چکیده

محلات به عنوان نیازی ترین عنصر شهری نقش پر رنگی در ایجاد زمینه رشد و سلامت انسان و پرداختن به آرمان های انسانی جامعه دارد. امروزه گسست موجود در طراحی ساختار فضایی محلات، از بین رفتن هویت کالبدی و نادیده گرفتن نیازهای افراد، سبب از بین رفتن ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنین وارزش های انسانی جامعه شده است و بسیاری از محلات دچار اختلال در روابط اجتماعی، کمبودهایی جهت برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی انسان، توزیع ناعادلانه و... مواجه شده اند. مطالعه حاضر بر اساس تحلیل اسناد، کتابها و مقالات به بررسی مفهوم محله و دو رویکرد که در طراحی شهری و معاصر تشخیص داده میشود: رویکرد نخبه گرا و قطعیت نگر و رویکرد نوعملکردی و ویژگی های آنها میپردازد. این تحقیق با هدف ایجاد زمینه ای جهت بهینه سازی و انسانی کردن روش طراحی محلات، به معرفی رویکرد انسان محور که در واقع مبتنی بر این دو نگرش است، میپردازد و در قالب رویکرد انسانی به بررسی مهمترین عوامل موثر در طراحی محله انسان محور پرداخته میشود که در نهایت راهکارهایی جهت طراحی مناسب محلات پیشنهاد میگردد.

واژه‌های کلیدی: طراحی محله، ارزش انسانی، نیاز مادی و روانی، رویکرد انسانی

## 1- مقدمه

فضاها قادرند برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت کنند و برخی را تضعیف کنند و یا حتی نقش‌های اجتماعی نوینی را بر ساکنین خود تحمیل نماید و جهت و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنین خود ببخشند. بطوریکه علاوه بر جوابگوی مناسب بر نیازهای انسانی، در جهت تقویت رفتارهای مطلوب و محدود نمودن رفتارهای غیر مطلوب عمل کنند. و از این طریق نقش مثبتی در اعتدالی ارزش‌های فرهنگی مان، ارتقای ارزش‌های انسانی و رشد شخصیتی او را در جهت وصول به تعالی و رستگاری ایفا نماید. دیوید هاروی در این مورد میگوید: «مسأله دراز مدت آن نیست که چه نوع محیطی خواهیم، بلکه آن است که چگونه انسانی را طالبیم» [16]

در میان عرصه عمومی شهر و خصوصی خانه، عرصه نیمه عمومی محله جایی است که از دید شهرسازی جدید کم اهمیت و گاهی مغفول مانده است و به نیازهای فردی و اجتماعی انسان به درستی پاسخگو نبوده است در واقع این گونه فضاها به جای آنکه مردم را به مکث و حضور، مراودات اجتماعی، تفکر و آرامش دعوت کنند، آنها را به فرار تشویق میکنند و دیگر تجربه برخورد با دیگران، حس امنیت، زیبایی شناسی، تعاملات اجتماعی، هویت و... که از مهمترین عوامل ارتقا ارزشهای انسانی و رفع نیازهای اساسی او است، به درستی اتفاق نمی افتد.

تجزیه و تحلیل و طراحی یا شکل دهی به فضاهای شهری نیازمند شناخت انسان، انگیزه های او و توجه به چگونگی ارضا این نیازها در تعامل با محیط کالبدی است. آگاهی از قابلیت های بالقوه محیط کالبدی (شکلی، معنایی، زیست محیطی، فرهنگی و عملکردی) و چگونگی تعامل انسان با آن قابلیت ها ما را به شناخت فرایند آفرینش و طراحی فضاها و مکان های شهری هدایت مینماید.

اگرچه انسانها از نگاه جغرافیایی زیستی و محیط فرهنگی در بستر زمان در شرایط متفاوت به سر میبرند اما در بسیاری از نیازهای اساسی خویش وجه اشتراک دارند. رویکرد انسانی به طراحی شهری توجه به نیازهای مشترک مردم در بستر زمان را در جهت توسعه پایدار فضاهای شهری در فرهنگ ها و اقلیم های متفاوت سرلوحه اقدامات خویش قرار میدهد. توجه برنامه ریزان و طراحان شهری به نقش خواست های انسانی در توسعه زندگی جمعی آنها را قادر میسازند تا در جهت توسعه پایدار کالبدی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی الگوهای مناسب را ارائه نمایند.

## 2- مبانی نظری

### 2-1- تعاریفی از محله و ابعاد آن

محله بخشی از تقسیم بندی کالبدی فرهنگی شهر با حوزه یا فضای جغرافیایی مشخص، جامعه وابستگی ها، علاقه ها، احساسات، تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است که در استیلای سلسله مراتب فضای شهر قرار دارد. محلات دارای همگونی بر مبنای ویژگی های قومی، نوع مسکن، ارزش های اقتصادی و یا ارزش های فرهنگی اجتماعی این واحدها میباشد، در صورتیکه با دگرگون شدن این متغیرها تمایز میان محلات آشکار میگردد. رالف تامپلسون محله را اینگونه تعریف مینماید: محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیر رسمی میان گروهی از مردم بوجود می آید و برای تشکیل یک محله شهری شرایط زیر را لازم میداند:

- 1- دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد.
- 2- پیدایش یا تکوین یک اجتماع کوچک گروهی از مردم شهر.
- 3- وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم.

بطور کلی مفهوم محله می‌تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، ذهنی، ادراکی، کالبدی و سیاسی تعریف شود. هریک از ابعاد مختلف، تعاریف خاص خود را از محله ارائه می‌دهند. از سوی دیگر این تعاریف در جوامع و مقاطع مختلف می‌تواند متفاوت باشد. [7]

### نظریه لینچ

به اعتقاد لینچ محله، منطقه وسیعی است که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص، قابل شناسایی است. محله از نظر اداری با دیوار، راه و مرزهای مشخص، از نظر اجتماعی، با ادراک ساکنین محلی، از نظر عملکردی با حوزه های خدمات محلی، از نظر زیست محیطی با خصوصیات ترافیکی کیفیت و امنیتی و از نظر زیبایی، با داشتن ویژگی های مشخص یا عمر و سن توسعه تعریف میشود. اجزا تشکیل دهنده سیمای محلات مطابق کوبین لینچ گره، مسیر، لبه، نشانه، حوزه میباشند. [3]

## 2-2- مشخصه های محله:

- محله دارای سابقه تاریخی است.
- محله دارای فضاهای عمومی و باز برای بروز و ظهور خلاقیت های فرهنگی اجتماعی است.
- محله دارای نمادها و زیر ساخت های خاص خود است.
- امکان اعمال نظر و نظارت عمومی در محله وجود دارد.
- محله دارای اجتماع قانون مدار و یا ارزش مدار است.
- در ساکنان محله احساس مالکیت وجود دارد .
- محله دارای ساخت اجتماعی و سیاسی است مانند شورای محله
- تعلق اجتماعی در محله وجود دارد.
- در محله انسجام و پیوستگی وجود دارد.
- توانایی شناخت و حمل مسائل محله در حیطه قدرت افراد محله است.
- در محله آرامش، امنیت و آزادی وجود دارد.
- با نظام های اقتصادی-فرهنگی- اجتماعی و ساسی شهر پیوند دارد. [8]

## 2-3- عناصر و ارکان تشکیل دهنده محله:

- خانواده و شهروند سالم: خانواه ای که بطور بنیادین از سلامت و آرامش روانی، جسمی و معنوی هر یک از اعضا حمایت میکند.
- نمادهای متمایز کننده
- تشکل ها، اجتماعات محلی و پیشروان محلی
- امکانات و منابع محله ای ( زیر ساخت های محله)
- نهاد تصمیم ساز و ناظر بر قوانین محلی [10]

## 2-4- جایگاه مفهوم محله در شهرسازی:

مفهوم محله د برنامه ریزی و طراحی شهری از آن روی جایگاهی ویژه می یابد که با القای هویت به آن میتوان حس تعلق به مکان و به نوعی حس جا و هویت شهروندان را تقویت نمود. سطح مهمی از سطح شهرها را ساختمانها و محله های مسکونی میپوشاند. از اینرو کیفیت آن ها تاثیر مهمی در سیما و منظر عمومی شهر دارد. در واقع در نگاه اول هر شهر از ویژگی های محله های مسکونی آن میتوان شناخت. روند توسعه های موجود در شهر های ما، بویژه شهرهای بزرگ نشان میدهد که مناطق مسکونی به دلیل توسعه نابسامان و مغشوش در معرض از دست دادن شخصیت و هویت دیرینه خود قرار گرفته اند.

لدا شهرساز امروز ایران باید علاوه بر وظایف همیشگی یک شهرساز، کاستی‌هایی که در دهه‌های اخیر به فراموشی سپرده شدن را نیز جبران کند. [13]

پایداری هویت در محله با ارجاع به ریشه‌ها و خاستگاه‌های قدیمی آن قابل دستیابی است. به عبارت دیگر منظور همان ارزش‌های محیطی است که در مناطق مسکونی گذشته وجود داشته و مردم با آن خو گرفته‌اند. نظم فضاهای پر و خالی، خوانایی فضا و سیمای محله‌ای و کیفیت بصری مناطق مسکونی گذشته از جمله ارزش‌هایی هستند که در ذهن مردم نقش بسته‌اند. در واقع، مجموعه این‌ها هویت محله‌های مسکونی را شکل می‌دهند و نیاز به بقا و پایداری آن را ضروری مینمایند. [4]

### 3- چشم اندازی انسانی به طراحی فضاهای شهری

موضوع طراحی شهری مبتنی بر رویکردی انسانی همانا شکل دهی به فضای ساخته شده مبتنی بر خواست‌های انسانی است که در برنامه طراحی و یا شرح خدمات ارائه شده به طراحان شهری یا مهندسين مشاور متجلی میگردد. امروزه دو رویکرد اصلی در چشم انداز توسعه و برنامه ریزی و طراحی آگاهانه فضاهای شهری، بستر لازم را جهت دستیابی به رویکردی انسانی فراهم آورده‌اند:

1- رویکرد نخبه‌گرا و قطعیت‌نگر

2- رویکرد نو عملکردگرا

در رویکرد اول، توسعه مقوله‌ای صرفاً بیرونی تلقی شده و نظام موجود تحمیل میگردد. در این رویکرد علائق مشتری و کارفرما در اولویت قرار داشته و ارزش‌های حرفه‌ای را بر ارزش‌های پایدار جمعی و انسانی برتری میبخشد. (گاتمن). علاوه بر این، در این رویکرد تکنولوژی هدف توسعه قرار گرفته و لذا تولید انبوه فضاها و بناهای شهری مورد توجه است. توجه و برتری دادن به اتومبیل بر انسان در فضاهای شهری شکل فضاهای شهری را تحت تاثیر قرار داده و ایجاد سازمان‌های بزرگ در قالب بناهای حجیم سیمای شهر را دگرگون میسازد. این رویکرد بر جنبه‌های هنری، زیبایی‌شناختی و شکلی متمرکز بوده [2] و از اینرو تنها به توسعه ابعاد کالبدی فضاها تکیه دارد و به خلق فضاهایی "تماشایی" همت می‌گمارد (پانتر و کارمونا)، لذا به شدت نخبه‌گرا است و فضاهایی شهری را نه برای عموم مردم بلکه تنها برای درک گروه خاصی از مردم خلق مینماید. طراحان در این رویکرد غالباً ماهیتی خردورز (خردگرا) داشته و توجه خود را به محصول نهایی توسعه و طراحی متمرکز میسازند. (شکل 1).

این نگره طیف وسیعی از نگرش‌های مختلف در طراحی شهری را شامل میگردد که در قالب تفکری خردگرا بیان میشود. خردگراها و اخیراً نو-خردگراها در طراحی شهری، به طور کلی در صدد آفرینش دنیایی نو که مبتنی بر جامعه‌ای آرمانی است پیشنهادهای خود را که البته با تفکرات و نگرش فردی طراح تناسب کامل دارد ارائه مینمایند.

عمده ویژگی‌های این نگرش به طراحی شهری بطور خلاصه شامل موارد ذیل است:

1- ایجاد فضاهای باز وسیع و تهی از انسان در فضاهای شهری به گونه‌ای مکانیستی

2- تفکیک فعالیت‌ها

3- نگاهی مکانیستی به جهان واقعی مانند نگاه عدسی دوربین عکاسی به فضاهای شهری

4- ایجاد تجسمی قوی از فضاهای آرمانی

5- توجه به مسائل محیطی در جهت رفع نیازهای جسمانی چون کوران هوا و نور

6- توجه به انسان متفکر و اندیشمند در طراحی شهری به جای توجه به عموم مردم و رفتارهای روزمره آنها

7- توجه به زندگی مبتنی بر بهداشت و سلامت جسمی و تقویت قوای بدنی

8- توجه به تکنولوژی در جهت توسعه اجتماعی

9- اعتقاد به جبریگری (معنینگری) کالبدی و قطعیت‌نگری جهت دستیابی به محصول طراحی شهری [14]



شکل 1: شهر برازیلیا، بر اساس دیدگاهی خردگرا و مبتنی بر نگرشی نخبه‌گرا و هنرمند محور توسط لوسیو کاستا و اسکار نیمایر در میانه قرن بیستم ایجاد گردید و فضاهایی تماشایی را به نمایش گذاشت. این شهر زمینه لازم جهت آزمایش نظریه‌های اعلام شده در کنگره سیام را که در سال 1933 در آتن برپا گردیده بود فراهم ساخت. [15]

نهضت‌های مختلف و طراحان شهری گوناگون تحت تاثیر این تفکر به آفرینش شکل و فرم مجتمع‌های زیستی در قرن بیستم پرداخته‌اند. از این جمله می‌توان در قالب نهضت مدرن در طراحی شهری، به کارهای لکوربوزیه و گروه ارشیگرام (و یا طرفداران سازه‌های بزرگ) و متابولیستها، باک مینستر فولر و پل ردولف اشاره کرد. در قالب نهضت پست مدرن کارها و اندیشه‌های افرادی چون ریکادوبوفیل، آلدو روسی (1988)، کالین راو (1975) کالین راو نیکل کوتز (1978) قابل اشاره هستند. برای مثال آلدوروسی شهر را یک اثر هنری و حاصل خلاقیت فردی، که به قول او محور عمده فهم هنری از طراحی شهری است تلقی مینماید زیرا او فضاها و ابنیه مهم شهری چیزی جز مصنوعات هنری نیستند. [15]

در رویکرد دوم، توسعه مقوله‌ای درونی است اگرچه تحت تاثیر عوامل بیرونی نیز قرار می‌گیرد. در این نگره توجه به تمامی طیف نیازهای انسانی مانند نیازهای جسمانی، ابعاد ذهنی و روحی یا معنایی انسان مورد نظر است. این رویکرد به توسعه پایدار محیطی و مشارکت مردم در فرایند شکل دهی به شهر اهمیت خاصی قائل بوده و لذا کیفیت محیطی را بر مبنای ایجاد کیفیت زندگی فردی و جمعی مردم در ارتباط با محیط زیست استوار ساخته است. به جای توجه تنها به نیاز متفکران و نخبه‌ها در طراحی شهری به رفتارهای روزمره مردم در فضاهای شهری توجه ویژه دارد. به جای توجه قطعی به محصول و شکل آن، به فرایندی منعطف و پویا جهت دستیابی به محصول اهمیت داده و به فرایند حل مسئله در طراحی شهری معتقد است زیرا فرایند و چگونگی حل مسئله را مقدم بر طراحی شهودی قرار میدهد. در این رویکرد خردگرایی جای خود را به تجربه‌گرایی در شناخت و شکل دهی فضاهای شهری مبتنی بر تجربیات حسی فضاهای شهری میدهد، در این رویکرد شکل و فرم محیط ساخته شده و متاثر از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است و خواست‌های انسانی به گونه‌ای در قالب شکل شهر سامان می‌یابد که محیطی قابل زندگی را در شهر به جای محیطی صرفاً برای تماشا خلق نماید. اعتقاد به جبریگری (معنی‌نگری) کالبدی را رد میکند و معتقد است که محیط کالبدی تعیین‌کننده رفتار آدمی نیست و تنها محیط بر اساس ارزش‌ها و نیازهای انسانی فرصت‌های لازم را جهت بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی فراهم می‌آورد. نه تنها به سلائق فردی و تاثیر آن در شخصی سازی فضا معتقد است اما نیازهای جمعی را در اولویت اول خویش در طراحی و شکل بخشی به فضاهای شهری قرار میدهد. این نگرش در شکل دهی فضاهای شهری تعریفی نو از عملکرد مبتنی بر تمامی نیازهای انسانی ارائه کرده است. و لذا گستره معنای "عملکرد" را ژرفایی خاص بخشیده است. [2]

پشتیبان این رویکرد نگرش "تجربه‌گرا" به شکل دهی و طراحی شهری است که در انتهای قرن نوزدهم و در ابتدای قرن بیستم در قالب دو نحله فکری و عملی تجلی یافت:



1. حرکت ایجاد باغ شهرهای ابنزرهاوارد(1898) در انگلستان به همراه ایده واحد همسایگی کلارنس پری(1929)، کلارنس اشتاین(1987) و هنری رایت که در امریکا شروع شد و سپس در سراسر قرن بیستم تداوم و بخصوص در امریکای شمالی و اروپا گسترش یافت.
  2. نهضت زیبا شهرها در امریکای شمالی و به دنبال آن نهضت شهرگراها که وام دار تفکر نظریه پردازانی موثر در این نگرش چون جین یاکوبز(1961) و کریستوفر الکساندر(1977) بود.
- گروه اول به گریز از شهر و توجه به طبیعت در ساخت فضاهای شهری و گروه دوم توجه به خرد فضاهای شهری موجود را که متناسب با نیازهای انسانی در طول زمان شکل گرفته است مورد توجه قرار دادند. در گروه دوم علاوه بر افراد نامبرده کارهای گوردن گالن (1971، 1377)، رابرت ونچوری و دنیس اسکات براون(1972) و کارهای اخیر نو-سنت گرایانی چون لئون کرییر قابل تامل است. سهم عمده تئوری پردازانی چون کوین لینچ، شولتز، اسکار نیومن و جان لنگ در تبیین و توضیح این رویکرد غیر قابل انکار است. طرح های اخیر نو- شهرگرایانی چون پیتر کالتوروپ، دوانی و زایبرگ نیز در جهت توسعه شهرهای جدید در امریکای شمالی در این چارچوب فکری قابل بررسی است.

به طور کلی این نگرش در طراحی شهری در قالب گزاره هایی هنجاری بر مسائل زیر تاکید دارد:

- 1- میتوان جهت توسعه دانش طراحی شهری آن را بر علوم دیگر و همچنین پدیدار شناسی استوار ساخت.
- 2- میتوان نگرش سنتی و کلاسیک در طراحی شهری و الگوبرداری از معماری عامیانه را دنبال نمود.
- 3- میتوان گونه های مختلف موجود در طراحی شهری را دسته بندی و مورد استفاده قرار داد.
- 4- میتوان به جای بکارگیری روشی شهودی بر روش حل مسئله در طراحی شهری تاکید ورزید.
- 5- میباید به تلفیق کاربری ها در معنابخشی به فضاهای شهری توجه نمود.
- 6- توسعه جمعی میباید مبنای توسعه فضاهای مسکونی و شهری قرار گیرد.
- 7- میباید به جای مشتری محوری به استفاده کننده از فضاها و مشارکت مردم در طراحی شهری توجه خاص نمود. [9]



شکل 2: شهر نو سنت گرایان و یا نهضت نو شهرگرایی در طراحی شهری، شکل دهی به فضاهای شهری را در قالب بهره جویی از مقیاسی انسانی به آزمایش گذاشته است. کارهای اخیر افرادی چون "دوانی" و "پلیتر زایبرگ" که با مشورت "لئون کرییر" در شهر جدید "سی ساید" صورت گرفت شروع مجددی بر نگرشی انسانی به طراحی شهری است. طراحان به جای استفاده از روش معمول منطقه بندی و جداسازی کاربری ها که مبتنی بر تفکری مدرن و خردگرا است، با استفاده از ضوابط طراحی

منعطف و پویا و با استفاده از مفهوم فشردگی و تلفیق کاربری‌ها توانستند به توسعه قطعات کوچک زمین پرداخته و پارادایم جدیدی را در توسعه و طراحی فضاهای مسکونی در امریکای شمالی معرفی نمایند. شکل بالا دورنمایی از یک خیابان در سی‌ساید را نشان می‌دهد. [17]

جدول 1: جدول ویژگی‌های رویکردهای موجود در طراحی {2}

رویکرد نخبه‌گرا و قطعیت‌نگر	رویکردی نو عملکردگرا
توسعه از بیرون	توسعه از درون
انبوه و بزرگ‌سازی	پایداری و کوچک‌سازی
تاکید بر نیازهای زیبایی‌شناختی	تمامی نیازهای انسانی
توجه به شکل	توجه به کیفیت محیطی
تماشایی بودن	قابل زندگی بودن
مبتنی بر سلیقه و نیاز نخبه‌گان	مبتنی بر ارزش‌های پایدار و بهره‌وران
خردگرایی	تجربه‌گرایی
روشی الهامی و شهودی	روش مشکل‌گشایی و حل مسئله
توجه به گونه‌ها از جهت شکلی	توجه به گونه‌ها جهت بهره‌گیری از آنها جهت حل مسئله
توجه به محصول	اصالت به فرایند
طراحی فردی	طراحی گروهی
خواست‌های مشتری	مشارکت مردم و بهره‌وران
توسعه مبتنی بر تکنولوژی	توسعه مبتنی بر فرهنگ
فردگرایی	همبستگی اجتماعی
مقیاس ماشینی	مقیاس انسانی
تعریف ناقص و سنتی از عملکرد	تعریفی نو از عملکرد (عملکرد مبتنی بر خواست‌های ذهنی و روحی، معنایی و نشانه‌ای) (ای)
نفی سنت گذشته و خلق گونه‌های نو	سنت‌گرا و توجه به تجربیات تاریخی و استفاده از گونه‌های موجود و اعتقاد به اعطاف‌پذیری کالبدی و اصالت دادن به رفتار انسانی
اعتقاد به جبری‌گری (معنی‌نکری) کالبدی	محصول نهایی غنی از نظر معنایی و پیچیدگی در شکل

همانگونه که در جدول 1 آمده است تفاوت های بسیاری در دو رویکرد بالا قابل مشاهده است. نگرش نخست بر بعد فن اورانه طراحی شهری تاکید می‌ورزد در صورتیکه نگرش دوم ابعاد انسانی و فرهنگی را مد نظر دارد. اولی هنرمند محور و دومی اگرچه ابعاد شهودی و الهامی را نفی نمی‌کند اما دانشمند محور است. در نگرش نخست وجوه جسمانی نیازهای انسانی مورد توجه قرار دارد در حالیکه در نگرش دوم علاوه بر ابعاد زیبا شناختی، ابعاد نمادین و نشانه ای فضاهای شهری نیز اهمیت می‌یابد. در نگره نخست دستیابی به محصول نهایی از مسیر آفرینش یک "چشم انداز" فراهم میگردد و لذا محصول اهمیت فراوان می‌یابد، در صورتیکه در نگره دوم دستیابی به محصول تنها از طریق گذر از فرایندی پیش بینی شده و هدفمند میسر است. لذا در اولی شناخت گونه های کالبدی و استفاده از آنها ترجیح داده میشود و در دومی گونه شناسی "فرایندهای طراحی" مهم تر تلقی میگردند.[2]

ابعاد زیست محیطی در نگرش اول کم رنگ بوده ولی در نگرش دوم جهت دستیابی به محیط پایدار توجه به ابعاد زیست محیطی اهمیت می‌یابد. اگرچه نگرش اول به اقلیم در جهت شرایط مناسب اهمیت میدهد اما در جهت دستیابی به محیط پایدار از جنبه های عملکردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برنیامده است زیرا توسعه را صرفا امری بیرونی میداند.

در مجموع میتوان گفت که شکل دهی به فضاهای شهری علاوه بر توجه به ابعاد ارائه شده در نگرش دوم، که چارچوبی قابل اتکا جهت ساخت فضاهای شهری مبتنی بر خواست های انسانی ارائه میدهد، به قدرت تخیل و ساخت تصویر، تجسم، چشم اندازی قوی و با بصیرت از فضاهای شهری مبتنی بر معیارهای زیبایی شناختی ارائه شده در نگرش اول نیازمند است. به نظر میرسد میتوان تلفیقی مناسب از مولفه های انتخابی موجود در رویکرد اول را جهت نظام بخشی به فضا با تاکید بر تفکری تجربه گرا، مبتنی بر جنبه های انسانی فضاهای شهری موجود در رویکرد دوم به دست داد. رویکرد تلفیقی را میتوان "رویکردی انسانی" به شکل دهی فضاهای شهری یا طراحی شهری نامید که در آن محصول در تعامل با فرایند طراحی شهری اهمیت خویش را باز مینماید و لذا نگرشی گونه ای/ برنامه ای به طراحی و شکل دهی فضاهای شهری دارد.[11]

#### 4- مهمترین عوامل موثر در طراحی محله انسانی

با توجه به رویکرد انسان محور که در واقع زاده ی دو نگرش بالا که پیش تر راجع به آن صحبت شد، میباشد، نیازهایی اساسی در انسان وجود دارد که در همه شرایط بالاخص محل زندگی او حائز اهمیت است و در طراحی محله باید دیده و بر مبنای آن برنامه ریزی شود.

##### 1-4 تعاملات اجتماعی (حس جمعی).

منظور از حس جمعی، افرادی هستند که در یک مکان مشترک (مانند همسایگی) حضور داشته و علاوه بر آن ارتباط(نظیر ارتباط معنوی) میان آنها حاکم است. حس جمعی از مهمترین اهداف روانشناسی اجتماعی واز عوامل تاثیرگذار در ارتقا ارزش و جایگاه انسانی است، که در صورت عدم وجود آن در محیط زندگی انسان، انزوا سایه می افکند، روح زندگی واصلت اجتماعی کمرنگ میشود و به مرور زمان از بین میرود و مردم با خود و محیط اطراف خود بیگانه میشوند.[7]

لنگ در کتاب آفرینش های نظری میگوید که اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند، در هر محیطی زمینه آن را فراهم میکنند. رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوند جویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است که دلیل بر مطلوب بودن تعامل اجتماعی است. لذا هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است.



دلیل دیگر این است که فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم یا به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کنند.

کریستوفر الکساندر، ملاقات‌گاه به‌گاه و غیررسمی را زمینه‌توسعه‌دوستی‌ها و روابط روزمره مردم دانسته است. تعامل اجتماعی، نگرش افراد را با پیشینه ذهنی و ویژگی‌های متفاوت به یکدیگر نزدیک می‌کند.

جدول 2: نظریه اندیشمندان راجع به حس اجتماعی [8]

عامل گسترش حس اعتماد و اطمینان و افزایش امنیت و کنترل اجتماعی	جین جیکوبز
عامل تسهیل‌کننده برایند اجتماعی شدن افراد	آموس راپاپورت
یاری‌رسان در تلطیف عواطف مشترک جمعی و دارای کیفیت‌های انسانی-اجتماعی	بیکن

## 2-4- هویت اجتماعی

هویت اجتماعی، احساس تعلق و همبستگی به یک جامعه است، به گونه‌ای که عضو یک جامعه، از سایر جوامع متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه خود، احساس تعهد و تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید، انتظارات جامعه را از خود پاسخ دهد و در مواقع بحرانی، سرنوشت جامعه برای او مهم باشد.

این مفهوم بر ایجاد محیطی صمیمی تأکید دارد و باعث رشد و شکلگیری روابط اجتماعی در سطح محله می‌شود و دایره‌آشنایی‌های امنیت‌بخش را وسعت می‌بخشد که می‌توان با این تعریف از محله اجتماعی بعنوان یک خانواده اجتماعی یاد کرد که بیشترین ارتباطات یک خانواده را شامل می‌شود. این ارتباطات نوعی رشد دوسویه را به همراه خواهد داشت که سوی اول آن رشد اجتماعی و سوی دیگر آن رشد شخصیت فردی است. [12]

جنکینز از نظریه پردازان هویت اجتماعی هویت را شرط نخستین زندگی اجتماعی میدانند و معتقد است که هویت فردی که وجه تمایز فرد از دیگران است در جامعه تکوین می‌یابد. اجتماعی شدن نخستین تعاملات اجتماعی که در همه طول عمر روی می‌دهند سبب می‌شود افراد بتوانند در پرتو آنها خود را تعریف کنند. در عین حال خود مفهومی است پویا که در سرتاسر عمر تحول می‌یابد و در آن تعاریف درونی و بیرونی ترکیب می‌شوند. از دیدگاه وی پیوند و پویایی ابعاد درونی و بیرونی سازنده خویشتن‌یاهویت است. اما در نهایت وی معتقد است شناختن خویش زمانی حاصل می‌شود که فرد بتواند خود را در موقعیت دیگری قرار دهد. وی معتقد است که " هویت اجتماعی ترکیب یافتن مضمون‌های درهم آمیخته و جدایی ناپذیر شباهت‌ها و تفاوت انسانی در خلال عمل اجتماعی است. هویت‌های اجتماعی جمعی بر شباهت‌ها تأکید می‌ورزند و حتی آن را می‌سازند. در کتاب هویت اجتماعی او یاد آور می‌شود که هویت اجتماعی ویژگی همه‌ی انسان‌ها به عنوان موجودات اجتماعی است و یا اینکه از مفهوم عام «هویت» گرفته شده است، از آن فاصله دارد زیرا هویت تمامی موجودات، مواد و اشیاء را در بر می‌گیرد و قلمرو آن گسترده‌تر از بشریت است. او در تعریف کلی از هویت اجتماعی تمرکز بسیاری بر دو اصل شباهت و تفاوت دارد. به نظر وی هویت اجتماعی به شیوه‌هایی که افراد و جماعت‌ها از آن طریق در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند، اشاره دارد و کاربرد آن برای برقراری و متمایز ساختن نظام مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست. شباهت خواه واقعی و خواه ناشی از میل و گرایش باشد اهمیت کمتری نسبت به تفاوت ندارد [15]

### 3-4- زیبایی شناسی

این حس جز ناشناخته ترین نیازها میباشد. مازلو معتقد است که این نیاز در بعضی افراد وجود دارد. این گونه افراد با دیدن زشتی (به طریق خاصی) بیمار میشوند و با قرار گرفتن در محیطی زیبا بهبود می یابند. این حس در ارتقا کمالات انسانی نقش بسزایی دارد که در تعریف آن به سه موضوع اشاره میشود.

ارزش: هر زیبایی دارای ارزش است و مقصود از ارزش، ارزش مبادله ای آن نیست. زیرا قسمتی از زیبایی های طبیعت قابل نقل و انتقال و تملک نیست.

لذت: هر نمودی که توقعات ما را برآورده نماید. زیبایی میدانییم (زیبایی) و هرچه زیباست لذت بخش است. ولی این بدان معنا نیست که هر احساس لذتی معلول درک و دریافت زیبایی میباشد. حتی گاهی ما از یک منظره نازیبی که رابطه خاصی درون ما دارد لذت میبریم، مانند منظره ساختمانی مخروبه که خاطرات شیرین کودکی خود را در آن به یاد می آوریم.

تعجب: تعجب عبارت است از حالت ذهنی ای است که ناشی از توقف ذهن آدمی در برابر موضوع یارویدادی که بیرون از دایره قوانین و اصول شناخته شده و معمول میباشد. در برابر زیباییها نوعی از تعجب و شگفتی بوجود می آید، چه زیبایی های طبیعی و چه هنری، برای بوجود آمدن تعجب زیبایی باید در حدی باشد که مافوق نموده های معمول زیبایی جلوه نماید. اگر چه کم و بیش موجب لذت میگردد ولی به آن جهت که ذهن آنرا در گروه شایسته های معمولی تلقی کرده موجب تعجب و شگفتی نمیگردد.

نکته ای که مهم در زیبایی شناسی تنوع طلبی است. انسان با داشتن مغز و روان از یکنواختی محیز احساس رکود و افسردگی مینماید و اگر چه محیط او زیباترین منظره یا اثر هنری باشد. جای تردید نیست که هر انسان و هر قوم و ملتی از انسانها بانظریه چگونگی تفسیر و توجیهی که در حیات خود دارند و بانظر به فرهنگی که در آن زندگی میکنند، حقایقی را بعنوان ارمان و ایده های اعلا برا خود پذیرفته اند. این ارمانها اگر از سنخ عظمت های معقول مانند عدالت و آزادی و نظم و صدق و اخلاق و فداکاری و سایر تجلیات تکاملی روح بوده باشد، تحقق و انطباق آن در زندگی عینی انسانها، زیبایی عقلانی نامیده میشود و اگر از سنخ ترکیبات و کیفیات محسوس باشد زیبایی حسی نامیده میشود. [14]

### 4-4- حس امنیت:

احساس امنیت مقوله ای جدای از امنیت بوده و بنا بر اکثر محققین توجه به آن اهمیت بیشتری دارد، چرا که این احساس بر سایر روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تاثیر مستقیم دارد. طبق نظریه مازلو نیازهای ایمنی بعد از نیازهای زیستی مهمترین نیازهای انسانی بشمار میرود که از لحاظ روانشناختی بیانگر نیاز انسان به آرامش درونی و آسایش روانی و پرهیز از آشفتگی و بی نظمی ساختاری جامعه است. [6]

اسکار نیومن در کتاب مردم و طراحی در شهر پر خشونت، نظریه فضای قابل دفاع را مطرح میکند و پیشنهاد تغییر ساختار محیط شهری را به گونه ای میدهد که جامعه نه توسط پلیس بلکه توسط افرادی که در عرصه هایی خاص سهیم اند تعریف گردد. نیومن سه فاکتور افزایش جرم در محله های مسکونی را چنین بر میشمرد:

- بیگانگی: مردم همسایگانشان را نمیشناسند.
  - عدم وجود نظارت: مکان های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی و بدون آنکه مجرم دیده شود ممکن میکند.
  - دسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن میسازد.
- لذا نیومن معتقد است که با استفاده از ساز و کارهای نمادین و شکل دادن عرصه های تعریف شده میتوان یک محیط را تحت کنترل ساکنانش درآورد. وی فضاهای غیر قابل دفاع را اماکن و فضاهایی تعریف نمود که به کسی تعلق ندارند و بر حفظ

و نگهداری آنها نظارتی نمیشود و حتی در مقابل دیدگان عمومی که معمولاً نوعی ابزار نظارتی و نیز عامل بازدارنده محسوب میشود، قرار ندارند. بنابراین وی فضاهای شهری را از نظر دارا بودن ویژگی‌های ایمنی به دو دسته فضاهای قابل دفاع و فضاهای غیر قابل دفاع تقسیم کرده است.

در فضاهای شهری احساس امنیت شهری به این معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه جا شوند، با هم شهریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. احساس امنیت به معنای امنیت خاطر شهروندان از مال، جان و... است که خود نشانگر سازمان یافتگی، قانونمندی و با ثبات بودن جامعه است (صانعی، ۱۵۰:۱۳۸۵). احساس امنیت حالتی است که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های فردی و اجتماعی افراد انجام و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس نماید. [4]

### جدول 3: تبیین شاخص‌های احساس امنیت در فضاهای عمومی [6]

شاخص‌ها	تبیین مختصر شاخص‌های احساس امنیت در فضاهای عمومی
1	مقیاس فضای بی کران و خالی، اضطراب آور و مقیاس انسانی و راحت، آرامش بخش است.
2	تراکم و فشردگی زیاد جمعیت ( ازدحام ) امکان برخورد فیزیکی و آسیب پذیری را افزایش می‌دهد.
3	فرم فضا نمایانی فضا کیفیتی است که در آن نه تنها اشیا و فعالیت‌ها قابل رؤیت اند، بلکه به شدت و وضوح تمام خود را به تمام حواس آدمی عرضه می‌کنند.
4	المان‌های اطلاعاتی تصویری نیکو از محیط، به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد و غالباً افرادی که به دلایل مختلف در شهر احساس گم گشتگی می‌کنند و در تشخیص موقعیت و مسیر خود با مشکل مواجه می‌شوند، از نظر بزهکاران طعمه‌های خوبی می‌شوند.
5	آلودگی دیداری اغتشاش بصری در شکل شهر می‌تواند، از طریق احساسی و ادراکی بر روی رفتارهای اجتماعی انعکاسی یابد و اغتشاش رفتاری را در فضای شهری توجیه نماید. ( عامل افزایش خشونت‌های شهری، .. )
6	نور و روشنایی فراوانی وقوع جرایم در تاریکی و روشنایی ( شب و روز ) تفاوت معناداری دارد.
7	آلودگی محیطی عدم رعایت پاکیزگی و نظافت در فضای شهری، اولین نماد هنجارشکن محسوب می‌شود و نشانه نبود کنترل فردی و جمعی در آنجا محسوب می‌شود.
8	دسترسی حمل و نقل عمومی کیفیت دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی برای جابه جایی مطمئن عموم مردم از مهم ترین سازوکارهای شهر امن. ..
9	کیفیت فعالیت‌ها و کاربری زمین اثر کیفیت توزیع و ترکیب فعالیت‌ها بر روی کیفیت زندگی و از این طریق بر روی رفتارهای ناهنجار و امنیت اجتماعی.
10	کیفیت سکونت در محلات مجاور فضا رابطه کیفیت سکونت و آنومی، اجتماعی ( بزه کاری و ناهنجاری )

## بحث و نتیجه گیری:

پاسخ مناسب فضای محله به نیازهای متنوع انسانی نظیر نیازهای فیزیولوژیکی، آسایش روانی و احساس امنیت (ایجاد حریم و عامل هویت یابی) و نیازهای اجتماعی و زیباشناختی (بعنوان واحد اجتماعی و فرهنگی)، میتواند محیط زندگی را بعنوان بستری جهت اعتلای فکری و روحی و روانی انسان تبدیل کند. دخالت های تحمیل شده بر اندام شهرهای معاصر ایران بالاخص محله ها که بر اساس طرح ها و برنامه های رایج و عمدتا در قالب طرح های جامع شهری صورت پذیرفته اند بدلیل عدم پاسخ گویی به تمامی نیازهای انسانی دیگر کارایی لازم را جهت بهبود شرایط محیطی از دست داده اند. تکرار دستورالعمل ها و ضوابط طراحی اجرایی منجمد شده در بستر زمان شهرهای ما را، بدون هیچ بصیرت و چشم اندازی به آینده، تنها در گذشته خود و در روندی تکرار شونده در بستر زمان محدود ساخته است. امید به داشتن محله ای بهینه و انسانگرا، بعنوان عنصر مهم در طراحی شهری، در شکل و محتوی، نیازمند اجرای طرح هایی جسورانه اما پویا و منطقی است که بتواند نقش پذیری، تنوع بخشی، خلق پیچیدگی، ابهام و ارائه چشم اندازی قوی از نظر کالبدی، عملکردی-کارکردی، معنایی و محیطی را در دستور کار خود برای آفرینش فضاهایی انسانی قرار دهد. از این رو تلفیقی از رویکردهای هنرمند محور و خلاق با رویکردی عملکردی نه در قالب اجرای طرح های جامع سنتی بلکه در چارچوب اهداف و برنامه های راهبردی، میتواند راه گشا باشد، برنامه ای که در بستر آن امکان بهره گیری از نیازها، رفتارها و مشارکت واقعی مردم در فرایند شکل دهی فضا بیش از پیش امکان پذیر میسازد.

طراحان شهری امروزه باید توجه ویژه ای به شناخت روان شناسانه رفتار های انسان داشته باشند زیرا این گونه رفتار ها با محیط کالبدی ارتباط تنگاتنگی دارد. در طراحی محلات با رویکرد انسان محور، توجه به نیازها و ارزش های پایدار انسانی را مبنای حرکت خود قرار داده است. این رویکرد بستری مناسب جهت ایجاد تحول در نگاه طراحان و لذا شکل دهی به فضاهای شهری را با ماهیتی انسانی فراهم می آورد. در رویکرد انسانی بررسی شده، هویت مکان از طریق انجام تغییرات متناسب با نیازهای انسانی در تعامل با قابلیت های محیط کالبدی معنا می یابد از این رو طراحی فضایی و غیر فضایی محله بارویکرد انسانی بعنوان نمونه ای از فضای شهری موثر، پیوند های نا گسستنی با خواست های انسانی دارد. در این رویکرد، نیاز مردم در دنیای جدید شناخته و در فضا تحقق می یابد و حول محور کمال انسانی وحدت می یابد. در این نگره هر محیط ساخته شده نمادی از حضور خواست های پایدار انسانی است، توجه به نیازهای روانی او در طراحی که بر تنوع، امنیت، اجتماع پذیری و هویت بخشی به بافت ها تاکید میورزد، در اصول نگره قرار میگیرد و به چهار نیاز اساسی در انسان از قبیل حس ارتباط جمعی، زیبایی شناسی، هویت و امنیت که راس اصول طراحی انسان محور قرار گرفته، پاسخ مناسب میدهد. پاسخی که بتواند بهترین تناسب را میان زمینه فرهنگی، کالبدی، نیازها و انتظارات استفاده کنندگان فراهم آورد. فضاهایی که علاوه بر حفظ هویت به نیازهای انسان امروز پاسخ دهد.

با توجه به عوامل و فاکتورهای موثر در ایجاد جامعه ای انسانی میتوان راهکارهایی را در این جهت در طراحی محله اتخاذ نمود که در ادامه با راهکارها برای الگوی مکانی در مقیاس محله یا مجموعه ی مسکونی و کوچه یا واحد همسایگی مواجه میشویم.

- در نظرگیری سلسله مراتب برای ورود به هر فضایی در محله به وسیله ی طراحی مناسب از جمله کاشت درختان، در نظرگیری فضاهای بینابینی، درجات مختلف نور و... در محله ارتباط از فضاهای بسته به باز و برعکس، از طریق فضاهای سرپوشیده باشد که آمادگی در فرد ایجاد کرده و به نوعی احترام به دریافت حس انسان از محیط است.
- نسب های میانه ای برای عرض کوچه های مسکونی و یا نسب های متعادلی از لحاظ اندازه برای فضای باز واحدهای همسایگی در نظر گرفته شود زیرا به این ترتیب هم قلمروی فضای نیمه خصوصی حفظ میشود و هم از جرم خیز بودن محیط جلوگیری میشود و در نتیجه حس امنیت القا میشود.
- طراحی مناسب فضاهای باز در محله یا مجموعه ی مسکونی و اهمیت به آن به اندازه ی توده های ساختمانی و فضاهای پر.



-طراحی محله یا مجموعه ی مسکونی به گونه ای باشد که هرکدام از ساکنین بتوانند با اتومبیل خود در کوچه ها رفت و آمد کنند ولی فضایی تعریف شده و مجزا هم برای بازی کودکان و پیاده روی و... ترتیب داده شود به نحوی که آسایش عابرین پیاده فراهم آید و در نظر گرفتن حقوق همه ی انسانها در طراحی محله یا مجموعه ی مسکونی از جمله قشر معلول جامعه، پیاده‌ها، سواره ها و...

- به کارگیری طبیعت (آب، گیاهان، نور) در محله یا مجموعه ی مسکونی جهت ایجاد زمینه ای برای تجمع و ارتباط بیشتر انسانها و به این ترتیب جلوگیری از فردیت بیش از حد انسانها و دوری آنها از یکدیگر.

-ایجاد نوعی مرکزیت به شکل فضای جمعی در محله یا مجموعه ی مسکونی که باعث توجه به درون و مانع حضور افراد غریبه شود به طور مثال میتوان با به کارگیری گیاهان، عناصر طبیعی، درجات مختلف نور و... به محصور کردن فضا پرداخت ، علاوه بر آن طراحی در محله یا مجموعه ی مسکونی و ساختمانها به گونه ای باشد که دسترسی مناسب همسایگان به یکدیگر را فراهم آورد به طور مثال با طراحی فضای مکتبی جلوی هر چند تعداد واحد یا خانه. به عبارتی دیگر امکان تعریف جوامع کوچکتر و در عین حال وجود هماهنگی، وحدت و یگتانی بین محله و فضاهای عمومی و نیمه عمومی.

-در نظر گرفتن همزمان وحدت و هماهنگی و تنوع در تمامی ابعاد ، ارتفاع، تزیینات و... از محله تا خانه علی الخصوص در ارتباط با شکل کالبدی و نمای خانه ها در محله یا مجموعه ی مسکونی.

-اختصاص مکانی مناسب در محله یا مجموعه ای برای مسجد که زمینه ی عبادات جمعی و در نتیجه ارتباط بیشتر انسانها را فراهم میآورد.

-در نظرگیری چند مغازه در محله یا مجموعه ی مسکونی در حد رفع نیازهای روزانه مانند نانواپی، سوپرمارکت و میوه فروشی جهت خودکفایی محله و جلوگیری از رفت و آمد بیهوده در سطح شهر که سبب ایجاد آلودگیهای صوتی و... بیشتر در شهر خواهد بود.



## مراجع

- [1] شیعه، ا.، زر ابادی، س. بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی ایران، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره هفدهم، 1392.
- [2] سیچانی، ع.، صلواتی، م. ایجاد مرکز محله با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی، ماهنامه علمی-تخصصی-پژوهشی عمران-معماری-شهرسازی، سال دوازدهم، شماره 58، 1392.
- [3] لینچ، ک. سیمای شهر- ترجمه منوچهر مزین، انتشارات دانشگاه تهران، 1387.
- [4] نعیمی، ف. طراحی واحدهای همسایگی محلی با رویکرد ارتقا اجتماعی-فرهنگی، پایانامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه علم و صنعت، 1389.
- [5] پاکزاد، ج. راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، 1384.
- [6] گوتن، آ. شهرسازی در خدمت انسان، ترجمه هوشنگ ناقی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران، 1385.
- [7] مدیری، آ. جرم خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره 22، 1385.
- [8] Lang J, "Creating Architectural Theory: The role of behavioral sciences in environmental design", Van Nostrand Reinhold, New York.1987.
- [9] Laura E, The relationship of urban design to human health and condition, journal of Landscape and Urban Planning 64, 191-200. 2010.
- [10] مازلو، ا. انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، چاپ چهارم، مشهد، 1385.
- [11] مطلبی، ق. رویکردی انسانی به توسعه محله‌ای، همایش علمی-کاربردی توسعه محله‌ای چشم انداز توسعه‌ی پایدار شهر تهران، 1389.
- [12] پارسى، ح. شناخت محتوای فضاهای شهری، مجله هنرهای زیبا، 1381.
- [13] مطلبی، ق. رویکردی انسانی به فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره 27، 1385.
- [14] ترابی، م. طراحی محله بر اساس تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی. 1391.
- [15] دانشپور، ع. بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان)، نمونه موردی: تهران، خ یابان انقلاب، رساله دکترا در شهرسازی، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، 1392.
- [16] مازلو، ا. انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، چاپ چهارم، مشهد، 1385.
- [17] ساروخانی، ب. امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره 22، 1385.